

نقداندیشه می سلفی گری ایرانی

توصیه‌های علمی



فروشگاه تخصصی کتب Cineo

دکتر عبدالعلی موحدی



فروشگاه تخصصی کتب دینی

سروشناسه	: موحدی، عبدالعلی، - ۱۳۵۰
عنوان و نام پدیدآور	: توشل: نقد اندیشه‌ی سلفی‌گری ایرانی / عبدالعلی موحدی.
مشخصات نشر	: قم: موسسه فرهنگی هنری امامت اهل بیت [طهران]، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهري	: ۲۳۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۰۵-۸-۳
وضعیت فهرست نویسی	: ۱۰۰/۰۰ ریال
پادداشت	: فیچا.
کتابنامه	: کتابنامه.
موضوع	: توشل--دفاعیه‌ها و ردیه‌ها
موضوع	: Invocation--Apologetic works
موضوع	: توشل
موضوع	: Invocation
رده بندی کنگره	: BP ۲۲۶/۶/۸۳ ت ۹۱۳۹۵
رده بندی دیوبی	: ۲۹۷/۴۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۹۰۴۷۴



فروتنگاه تخصصی کتب دین

(نقد اندیشه‌ی سلفی‌گری ایرانی)



دکتر عبدالعلی محمدی

توسل

(نقداندیشه‌ی سلفی‌گری ایرانی)



گردآوری: عبدالعلی موحدی

- ناشر: انتشارات امامت اهل بیت [بلوار منتگاه تخصصی کتب دین](#)
- شمارگان: ۱۰۰۰
- نوبت چاپ: اول، پائیز ۱۳۹۵
- قیمت: ۱۰/۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۰۵-۸-۳

نشانی: قم، بلوار معلم، کوی ۱۰، خیابان شهیدین، پلاک ۵۶

سایت: www.emamat.ir

نشانی الکترونیکی: nashr@emamat.ir

تلفن تماس: ۰۲۵-۳۷۸۳۸۶۹۰-۲

این اثر با حمایت معاونت فرهنگی وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

فهرست مطالب

۹	آغازین کلام
	مقدمه ۱۱/
۱۳	طرح مسئله
۱۵	تفکیک مباحث
۱۶	آنچه پیش رو داریم
۱۹	معناشناسی توسل
۲۰	معنای توسل
۲۱	معنای وسیله
۲۵	سبب» و «ذریعه»
	معقولیت توسل ۲۷/
۳۱	توسل در پهنه‌ی آفرینش
۳۳	جواز عقلی توسل
۳۵	جواز عقلایی توسل
	توسل، پیراسته از بدعت ۴۱/
۴۵	واژه‌شناسی مفهوم بدعت
۴۵	معنای لغوی بدعت
۴۶	معنای اصطلاحی بدعت
۵۱	عوامل مؤثر در تحقیق بدعت حرام
۵۱	۱. انتساب به شرع



۵۲.....	۲. انتساب ناروا از روی آگاهی
۵۴.....	۳. نیت فرد
۵۵.....	۴. جزئی و خاص بودن انتساب
۵۷.....	توسل شیعی خالی از شایبه‌ی بدعت
۶۳.....	«رجای شرعی» در توسل شیعی
۶۴.....	مبادی سه‌گانه‌ی رجای شرعی
۶۴.....	۱. حوزه‌ی انتساب به شرع
۶۵.....	۲. احتمال عقلایی
۶۵.....	۳. نیت رجایی
۶۶.....	روایات «من بُلْغٌ»
۶۷.....	رجای شرعی مانع از بروز بدعت
۶۸.....	نتیجه‌گیری

توصیه‌های قرآنی به توسل

۷۳.....	آیه‌ی ۳۵ سوره‌ی مائدہ
۷۵.....	بررسی برخی شبه‌ها
۷۵.....	اشکال اول: آیه متشابه است
۷۹.....	اشکال دوم: عطف در آیه، تفسیری است
۸۰.....	اشکال سوم: «وسیله»، نام درجه‌ای در بهشت است
۸۴.....	اشکال چهارم: «جستان» غیر از «خواندن» است.
۸۵.....	اشکال پنجم: اهل بیت ﷺ نیز مخاطبان آیه‌اند
۸۹.....	آیه‌ی ۵۷ سوره‌ی اسراء
۹۵.....	گونه‌های توسل به افراد در قرآن
۹۶.....	پیامبر اکرم ﷺ
۹۶.....	ایمان به ایشان
۹۶.....	پیروی از ایشان
۹۷.....	صلوات ایشان
۱۰۰.....	استغفار ایشان
۱۰۵.....	بررسی چند شبه

۱۰۵.....	اشکال اول: لزوم طلب بخشش در حق النّاس
۱۱۰.....	اشکال دوم: استغفار پیامبر اکرم ﷺ محدود به حیات دنیوی
۱۱۳.....	اشکال سوم: اعتراف به گناه سبب بی حیایی
۱۱۳.....	حضرت یعقوب علیه السلام
۱۱۴.....	توصیه به طلب مغفرت برای دیگران
۱۱۶.....	حضرت موسی علیه السلام
۱۱۸.....	توسل برای برآورده شدن امور عادی از طریق غیرعادی
۱۲۰.....	حضرت سلیمان علیه السلام
۱۲۳.....	درخواستِ رفع نیاز هرچند معجزه آسا
۱۲۴.....	توانمندی مسئول، مبنای درخواست ازاو

جلوه‌های توسل در پرتو روایات / ۱۲۷

۱۳۱.....	انواع وسیله در روایات
۱۳۱.....	اسماء و صفات الهی
۱۳۴.....	نعمت‌های الهی
۱۳۶.....	کعبه
۱۳۶.....	قرآن کریم
۱۳۷.....	دانش و بینش
۱۳۸.....	مالِ دنیا
۱۳۹.....	بلایای دنیا
۱۳۹.....	برده و بندۀ
۱۴۰.....	روز
۱۴۱.....	اقرار به گناه واستغفار از آن

اهل بیت علیهم السلام وسیله‌های بارگاه الهی / ۱۴۵

۱۴۹.....	أهل بیت علیهم السلام وسیله‌ی الـه
۱۵۳.....	ایمان به اهل بیت علیهم السلام و پیروی از آنان
۱۵۷.....	دوستی با اهل بیت علیهم السلام
۱۶۱.....	مقدم داشتن اهل بیت علیهم السلام در حاجت خواهی
۱۶۵.....	صلوات بر اهل بیت علیهم السلام

۱۶۷	روی کردن به اهل بیت ﷺ و زیارت ایشان
۱۷۰	خواندن خدا به وسیله‌ی اهل بیت ﷺ
۱۷۶	توسل انبیا ﷺ به اهل بیت ﷺ در دعا
۱۷۹	توصیه‌ی ائمّه ﷺ به توسل به اهل بیت ﷺ در دعا
۱۸۲	آیا بنده بر خدا حقیّ دارد؟
۱۸۵	نگاه کردن به اهل بیت ﷺ
۱۸۹	یاد کردن اهل بیت ﷺ
۱۹۱	استغفار اهل بیت ﷺ
۱۹۵	حاجت خواهی مستقیم از اهل بیت ﷺ
۱۹۶	عدم نهی از «درخواست مستقیم» در شرع
۱۹۷	«درخواست وساطت» با «درخواست مستقیم» منافات ندارد
۱۹۹	«درخواست مستقیم» در کنار «درخواست وساطت»
۲۰۲	توانمندی‌های موهبتی اهل بیت ﷺ توجیه‌کننده‌ی «درخواست مستقیم»
۲۰۳	گونه‌هایی دیگر از «درخواست مستقیم» از اهل بیت ﷺ
۲۰۳	فوتنگاه‌تضمیم‌کتب‌دینی
۲۰۵	پناه بردن به اهل بیت ﷺ و امان خواستن از ایشان
۲۰۹	درخواست کفایت و نصرت از اهل بیت ﷺ
۲۱۱	درخواست توجّه و طلب مغفرت از اهل بیت ﷺ
۲۱۳	مراجعةه به اهل بیت ﷺ و دستگیری ایشان در زمان حیات
۲۱۸	چند تذکرۀ مهم
۲۲۱	سخن آخر
۲۲۵	فهرست منابع

آغازین کلام

آن زمان که خداوند متعال برگزیدگان خویش را به پیامبری برانگیخت و آنان را برابر هدایت انسان‌ها مبعوث کرد و همگان را به پیروی از ایشان ملزم ساخت، وساطت در هدایت را بنا نهاد و این حقیقت را شکار کرد که برای نیل به قرب او و دست یافتن به رضایش، چاره‌ای جز مراجعه به این واسطه‌ها و پیروی از این سفیران وجود ندارد. در مقابل، انسان‌ها نیاز از همان ابتدا این حقیقت را برنتافتند و به بهانه‌های گوناگون از پذیرش اراده‌ی الهی در این امر، سرباز زدند.

تا آنکه آخرین پیامبران و برگزیده‌ی رسولان نیز به دیدار پروردگار خویش شتافت و پیش از سفر به دیار باقی، به امر خداوند برای خویش جانشینانی برگزید و اوصیای خویش را به تعیین الهی به مسلمانان معزّفی کرد و بیان فرمود که هدایت جز در پرتو تمسّک به این ذوات مقدس به دست نمی‌آید و رضای الهی، تنها و تنها در گروپیروی از ایشان است. مسلکی جزو لایت اینان وجود ندارد و صراط مستقیمی غیر از راه ایشان نهاده نشده است.

همچنین بیان فرمود که ایشان دروازه‌ی قرب الهی و سیله‌ی درگاه اویند و هرگونه پیوند و ارتباط با ایشان، بندگان را به بارگاه خداوند نزدیک ترمی‌کند.

این بار نیز حسودان و معاندان، این جایگاه را تاب نیاوردن و اراده‌ی خداوند را در اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ برنتافتند، ولی شیعیان که پیروی از خداوند و رسول او را به

جان پذیرفته‌اند، با اقرار به مقامات والای اهل بیت علیه السلام و باور به فضیلت‌های این خاندان و قبول اراده‌ی خداوند درباره‌ی این بزرگواران، بنای خود را بر هر چه نزدیک‌تر شدن به این خانواده قرار دادند تا با توشیل به این برگزیدگان، به قرب الهی برسند. اما این عملکرد نیز برمذاق دشمنان اهل بیت علیه السلام خوش نیامده است و در طول تاریخ اسلام، پیروان ائمّه علیهم السلام از گزند عناد علمی و سنتیز عملی دشمنان مصون نمانده‌اند. در این نوشتار بآن شده‌ایم تا با تکیه بر دریای بیکران لطف الهی و مناسب با بضاعت ناچیز خود، قدمی در دفاع از حریم مقدس اهل بیت علیه السلام بداریم و با خوش‌چینی از خدمات اندیشمندان شیعه، چه در زمان‌های گذشته و چه در دوران معاصر، صفحه‌ای دیگر بر کتاب اندیشه‌ی شیعی بیفزاییم و با رویکردی تازه‌تروبیانی امروزی‌تر، باطل بودن اتهام‌های مخالفان واهی بودن ایرادهای آنان را آشکار سازیم؛ باشد که مورد استفاده‌ی ره‌جویان حقیقت قرار گیرد و در پرتو خرسندي پرورگار، بهره‌ی و افراد خروی نصیبمان گردد، إن شاء الله!

گفتنی است این نوشتار، حاصل مباحثات و گفت‌وگوهایی است که تحت اشراف استاد فرزانه، جناب آقای دکتر علیرضا رحیمیان و سورا رجمند، جناب آقای حجت‌الاسلام حاج شیخ صادق فائق و با هم اندیشی دوستان فرهیخته، به دست آمده است.^۱ روشن است که غنای علمی این مجموعه، نتیجه‌ی دقیقت نظرهای آن سورا ران و کم و کاستی موجود در آن، نشانه‌ی نقصان آگاهی نگارنده است. امید که خداوند متعال این تلاش ناچیز را به لطف و عنایت خود پذیرد و قصور و تقصیرهای آن را ببخاید.

(۱) از این روست که در طول این نوشتار، آنجا که سخن منتبه به گردآورنده‌ی متن است، از افعال جمع استفاده شده است.



مقدمه

طرح مسئله

از جمله اشکال‌ها و ایرادهایی که مخالفان شیعه به عقاید و نحوه عملکرد شیعیان در برابر اهل بیت پیامبر اکرم علیه السلام وارد می‌کنند، عنوان توسل است که خود سطوح گوناگونی را دربرمی‌گیرد. این قبیل شبهه‌ها بیشتر از سوی کسانی ایراد می‌شود که یا در دل جامعه شیعه زندگی کرده و می‌کنند و خود رانه شیعه و نه اهل تسنن، بلکه «قرآنی» و مانند آن معزفی می‌کنند یا آنکه تربیت شده‌ی مکتب و هابیت در میان اهل تسنن هستند. از جمله مصاديق گروه نخست که در این نوشتار به صورت عمده به بررسی آرای آنان و هم فکرانشان پرداخته‌ایم، می‌توان از ابوالفضل برقعی، حیدر علی قلمداران و یوسف شعار نام برد. البته در این نوشتار بیش از آنکه فرد یا افرادی خاص نقد و بررسی شده باشند، مبنای اندیشه و دلایلی که در این گونه مکاتب فکری مورد استفاده و قبول است، تحلیل و بررسی شده است.^۱

(۱) از این‌رو، این امکان وجود دارد که در برخورد با افراد یا نوشتۀ‌های مختلف، چیدمان مطالب، متناسب با مورد خاص، تغییر کند. همچنین بسته به مورد، ورود و خروج مباحث نیز قابل تغییر است. در این نوشتار سعی ما براین بوده است تا در چیدمان انتخابی خود، مبانی و ریشه‌های مباحث را مورد مذاقه قرار دهیم و با توجه به آن، شبهه‌های متداول در هر عنوان را بررسی کنیم و سوال‌های مربوط را پاسخ دهیم. در نتیجه، چنین به نظر می‌رسد با این بررسی‌ها بتوان شبهه‌های فراوانی را برطرف کرد. امید

در یک تقسیم اولیه، می‌توان شباهه‌های مخالفان را به شباهه‌های عقلی و نقلی تقسیم کرد. در عنوان شباهه‌های عقلی می‌توان این گونه شباهه‌ها را در کلام آنها مشاهده کرد: گاه واسطه‌جويی به درگاه الهی را خلاف عقل و مورد نهی عقل برمی‌شمرند که

شباهات مخالفان

در اینجا معمولاً به صفات خداوند استناد می‌کنند؛ نظریه‌ای که خداوندی که قادر و عالم و سميع و بصیر است و از خواسته‌ها و مشکلات بندگان آگاه است و نجوای آنان را می‌شنود و خود، نقلی بررسی می‌کنیم.

توانایی پاسخ دادن به بندگان را دارد، به وساطت اهل بیت علیهم السلام نیازی ندارد، یا اینکه خداوند، خود بر بندگانش رحمت و رافت دارد و بخل، از ساحت ربوی او مبرّاست و در نتیجه، به برانگیختن لطف و مهراو از راه مخلوق‌هایش نیازی نیست.

گاه نیز با وجود خدای قادر مطلق و عالم مطلق، مراجعه به غیر را دور از سیره‌ی عقلا و کاری مرجوح و غیر عقلایی یا الغوغای بهوده معزّفی می‌کنند.

در عنوان شباهه‌های نقلی نیز می‌توان تعابیر گوناگونی را از مخالفان مشاهده کرد. اصلی‌ترین اتهامی که مخالفان در توسل شیعیان به اهل بیت علیهم السلام طرح می‌کنند، اتهام شرک است که عمدتاً - به زعم خود مبتنی بر آیات قرآنی - با تشییه شیعه به مشرکان، آن را نتیجه می‌گیرند. اتهام دیگر شیعه، مخالفت رفتار آنان با قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام و یک درجه بالاتر، بدعت بودن عملکرد ایشان در توسل به اهل بیت علیهم السلام است.

هدف اصلی

در نهایت نیز - پس از پاسخ‌گویی شیعه به اتهام‌های آنان - با استناد جاهلانه به آیات قرآنی و با انکار حیات بربخی یا نفی ارتباط میان اهل دنیا و برزخیان، همت خود را به نفی توسل به اهل بیت علیهم السلام پس از شهادتشان معطوف می‌دارند و به خیال پس از شهادتشان است. خود، هرچند مراتب و گونه‌های دیگر توسل به این ذوات مقدس

→ است که خواننده‌ی گرامی با استفاده از این مبانی و بهره‌گیری از مفردات این مباحث، از عهده‌ی بررسی و پاسخ‌گویی به موارد خاص برآید.

یا وسائل دیگر را پذیرنند، به طور قطع زیربار پذیرش این توسل و قبول این ارتباط نمی‌روند و در نتیجه، بار دیگر واژه‌ای تازه‌تر، ایرادها و اشکال‌های خود را به عقاید و اعمال شیعه مرور می‌کنند که نمونه‌هایی از روند تلاش مخالفان را در خلال مباحث آینده در اختیار خوانندگان قرار خواهیم داد.

تفکیک مباحث

در برابر این حجم به ظاهر فراوان از شباهه‌ها و ایرادها، کاری برای پرهیز از آمیختگی، در این جاته باه عنوان توسل، آن هم از دریچه‌ای خاص است. توضیح اینکه، از روش‌های مخالفان در مقام شباهه‌پردازی این است که از هر مرتبه دیگر صرف نظر کرده‌ایم. هستند و با خلط مبحث و از این شاخه به آن شاخه پریدن،

به دنبال آن‌ند که حجم شباهه‌های خود را بایوه جلوه دهند تا بتوانند از اثر روانی این کار استفاده کرده، با سردگم کردن مخاطب، حقانیت خود را به کرسی بنشانند. از این‌رو، برای جلوگیری از این آشفتگی و به منظور روشن شدن مباحث، شیعیان نیز باید بکوشند شباهه‌های آنها را دسته‌بندی کرده، هر کدام را به صورت جداگانه پاسخ گویند. در بحث توسل نیز این واقعیت برقرار است. البته در این عنوان، عامل دیگری که دستاویز مخالفان در آشفته کردن بحث شده، این واقعیت است که شیعیان در توسل به اولیای خود، مراسم گوناگونی انجام می‌دهند و در نتیجه، عناوین بحثی مختلفی را فراهم می‌آورند؛ عناوینی چون زیارت قبور، بنای بر قبور، شفاعت و....

بسیاری از شباهه‌های مخالفان - چه در این بحث و چه در عناوین دیگر - مبتنی بر مشرك خواندن شیعه به دلیل باورها و عملکرد هایش در برابر ذوات مقدس اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ است که در نوشته‌ای جداگانه به بررسی این اتهام و مبررا بودن شیعه از این امر پرداخته‌ایم.^۱

(۱) نک: حقیقت توحید، توهّم شرک از همین نگارنده.

درباره‌ی دیگر شبه‌ها نیز بنای ما در این نوشتار این است که از پرداختن به مباحث اختصاصی عنوانین دیگر پرهیزیم و شبه‌های ویژه‌ی هر عنوان را در جای خود بررسی کنیم. برای مثال، بحث شفاعت قربت بسیاری با عنوان توسل دارد و مباحث این دو عنوان بسیار به هم نزدیک است و شبه‌های مخالفان در این دو عنوان نیز بسیار به هم آمیخته است یا شبه‌هایی که در خصوص رفتن به زیارت قبور و فایده و مشروعیت آن مطرح است، با بحث توسل هم پوشانی فراوانی دارد که پرداختن به همه‌ی آنها با بنای ما در این نوشتار که همانا پرهیزار آشфтگی و درهم‌تنیدگی است، سازگاری ندارد. از این‌رو، بررسی آن را به نوشتارهای دیگر واگذاشته‌ایم.

همچنین اشکال مشترکی نیز وجود دارد که از آن با عنوان حیات پرخی نام می‌بریم. این اشکال، هم در بحث توسل و هم در عنوانین دیگر مورد تمثیل مخالفان قرار می‌گیرد و با تکیه به این خیال که براساس آیات و روایات، در بزخ حیاتی نیست و اگر هم باشد، ارتباط با آن ممکن نیست، به زعم خود پایگاهی استوار یافته‌اند و متنکی بر آن، بر شبه‌هاشان اصرار می‌ورزند. به توفیق الهی این اشکال را در نوشتاری مجزاً و با همین عنوان بررسی کرده‌ایم تا هم از دستاوردهای آن در بحث توسل بهره ببریم و هم از شبه‌افکنی مخالفان در مباحث دیگر جلوگیری کنیم.

آنچه پیش رو داریم

با در نظر گرفتن مطالب پیش‌گفته، توجه به نکته‌های ذیل نیز اهداف و جزئیات مورد نظر این نوشتار را برای خوانندگان محترم آشکارتر خواهد ساخت:

در این نوشتار با صرف نظر از جزئیات عقیده و عملکرد شیعه در توسل به اهل

بیت علیهم السلام، به طور عمد به تحلیل و بررسی مبانی این عنوان نزد شیعه پرداخته‌ایم. در

ارائه‌ی شبه‌های مخالفان نیز همین نکته را مورد عنایت قرارداده،

به بررسی شبه‌هایی پرداخته‌ایم که براین مبانی ایراد گشته است.

مباحث خود را در پنج بخش عمده ارائه کرده‌ایم. در بخش نخست با

عنوان معقولیت توسل به بررسی اشکال‌ها و شبه‌های به ظاهر عقلی

و عقلایی پرداخته‌ایم. دستاورد مهم‌ما در این بخش - پس از بررسی

دریک نگاه

فراگیر، رجوع به واسطه‌ها

امری معقول و مطابق

سیره‌ی عقلاست.

مقدّماتی مفهوم توسل مبتنی بر کاربرد لغوی که در بخش مقدّمه ارائه شده است - این است که مفهوم عام توسل، حقیقتی شرعی و تأسیس شده از سوی شرع نیست، بلکه مطابق سیره‌ی عقلانیت و تاوقتی منعی خاص، چه از طرف عقل و چه از ناحیه‌ی شرع بر مصادق یا مصادیقی از آن وارد نشده باشد، روی آوردن به آن رواست.

در بخش دوم این نوشتار با عنوان توسل، پیراسته از بدعت به مبانی شبه‌ی بدعت پرداخته‌ایم و طی بررسی‌های انجام شده، این نتیجه حاصل گشته است: اگر انتساب به شرع در توسل به مصادقی خاص، به دلیلی معتبر - چه قطعی و چه رجایی - مدلل

بود، این انتساب، خالی از شبه‌ی بدعت خواهد بود و در غیر انتساب مصادقی

این صورت، یعنی اگر انتسابی به شرع وجود نداشته باشد، از توسل به شرع بر طبق دلیل معتبر، بدعت بدعتی نیز رخ نداده است. بدعت در جایی روی می‌دهد که نیست.

امری بدون دلیل به دین منتبث شود.

از آن‌جاکه شرعی دانستن و عبادت بر شمردن توسل به اهل بیت علیهم السلام نیازمند دلیل است و ارائه‌ی دلیل معتبر در این مدعایاً، به عهده‌ی شیعه می‌باشد، از بخش سوم این نوشتار به بعد، به ارائه‌ی مدارک نقلی توسل به معنای خاص پرداخته‌ایم. منظور ما از این توسل، واسطه‌جوبی به درگاه الهی به عنوان عبادت خدا و به منظور کسب قرب معنوی و بهره‌مندی از رحمت و ثواب خداوند است.

همان طور که گفتیم، هدف عمدۀ ما در ادامه‌ی این نوشتار، ارائه‌ی ادله‌ی نقلی بروسیله بودن اهل بیت علیهم السلام است که در بخش انتهایی آمده است، ولی به منظور زمینه‌سازی و رفع برخی استبعادها، و نیز برای دفع برخی شبه‌ها و نقض برداشت‌های ناصواب از متون نقلی، در بخش سوم با عنوان شبه‌ی مخالفت روایات با قرآن رامندفع می‌کند.

توصیه‌های قرآنی بحث را از توصیه‌ی قرآنی به توسل و با ارائه‌ی دو آیه در توصیه‌ی عام به توسل به درگاه الهی آغاز کرده‌ایم و در ادامه، به آیاتی اشاره کرده‌ایم که در آن، به وسیله بودن افراد در بارگاه الهی تصریح شده است. دستاوردهای مهم ما در این بررسی، زمینه‌سازی قرآنی برای ارائه‌ی مدارک وسیله بودن اهل بیت علیهم السلام است تا پیشتر، مطابقت این مدارک را با قرآن و بهانه‌ی مخالفت با قرآن را از دست مخالفان ستانده

باشیم. همچنین توانسته باشیم با بررسی روش‌های توسل به افراد، با گونه‌های قابل فرض در توسل به اهل بیت علیهم السلام آشنا شویم.

در بخش چهارم و در ادامه‌ی بررسی قرآنی با عنوان جلوه‌های	بررسی آیات
توسل در روایات، به ارائه‌ی روایاتی پرداخته‌ایم که اوّلاً کمتر از	وروایات، گونه‌های
سوی مخالفان مورد خدشه قرار گرفته و مضامین آن پذیرفته	مخالف و سیله شدن
شده است. ثانیاً: در بردارنده گونه‌هایی از توسل است که	افراد، به ویژه اهل
می‌توانیم در کنار آیات قرآنی، از آنها نیز در ترسیم نحوه‌های	بیت <small>علیهم السلام</small> را آشکار
مختلف توسل به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> بهره ببریم.	می‌سازد.

درنهایت و در بخش اهل بیت علیهم السلام و سیله‌های درگاه الهی به عنوان مشتی نمونه‌ی خروار، عناوین دهگانه‌ای از روایات را ارائه کرده‌ایم که به وسیله بودن این بزرگواران تصریح می‌کند و پایگاه وثیق نقلی را برای اعتقاد و عملکرد شیعه فراهم می‌سازد. گفتنی است این مجموعه از مستندات نقلی با چنین چیزی در کمتر نوشتاری در این زمینه دیده می‌شود.

سبک



همچنین به مناسبت اشاره به تقدیم این ذوات مقدس علیهم السلام در حاجت خواهی به درگاه الهی، در انتهای این بخش پرسشی را درباره حاجت خواهی مستقیم از اهل بیت علیهم السلام طرح کرده‌ایم که: آیا باید این بزرگواران را صرفاً واسطه‌ی درخواست خود از خدا قرار دهیم یا آنکه می‌توان برآورده کردن حاجت را از خود ایشان هم درخواست کرد؟ دستاورد ما در پاسخ به این پرسش این است که صرف نظر از رجحان هم «درخواست» از اهل بیت علیهم السلام که در این نوشتار بدان نپرداخته‌ایم، در آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام، هم به درخواست و سلطت از این خاندان امر شده، و هم درخواست بیت علیهم السلام مورد تأکید است و هم «درخواست» از ایشان مستقیم از ایشان مورد تأکید و تعلیم قرار گرفته است و هردو مستقیم» از ایشان. شیوه، به آموزه‌های قطعی و بیانات متوافق روایی مستند است.

معناشناسی توسل

در بحث توسل ابتدا و به منظور مقدمه چینی برای ترسیم فضای بحث، به بررسی لغوی این واژه می‌پردازیم. توجه به چند نکته در این باره ضروری است: قصد ما در این بررسی لغوی، صرفاً پیروی از سنت معهود در نوشتارهای موجود تیست؛ هرچند در یک نوشه‌تی آموزشی تبیین موضوع، آن هم از حیث لغت، کارآیی و فایده‌ی خود را دارد.

فروشنگاه تخصصی کتب دینی

- همچنین ثمره‌ی بررسی لغوی در بحث توسل، اثبات عقیده‌ی شیعه و تصحیح عملکرد شیعیان در ارتباط با امامان معصوم علیهم السلام نخواهد بود؛ که این مهم نیازمند ادله‌ی قرآنی - روایی است و در بخش دوم بدان پرداخته‌ایم.

- انگیزه‌ی ما از پرداختن به این بررسی، فراهم آوردن بستری برای دفع برخی شباهه‌هاست که آن را با عنوان «شباهه‌های عقلی - عقلایی» می‌شناسیم. در نگاهی کلی، مخالفان در این شباهه‌ها در صدد آن‌اند که عملکرد شیعه را در توسل به ائمه علیهم السلام با ادله‌ی به زعم خودشان عقلی، مردود بدانند و آن را مخالف رویه و عملکرد عقلاً معترضی کنند؛ حال آنکه با بررسی لغوی به این حقیقت پی می‌بریم که نه تنها سیره‌ی عقا، بلکه اساس آفرینش بر مبنای توسل است. تفصیل این مطلب را در ادامه ارائه خواهیم کرد.

- همچنین در این بررسی این نتیجه نیز آشکار می‌شود که توسل، حقیقتی شرعی تیست تا در پی‌گیری از آموذه‌های دینی به دنبال اثبات شرعی حقیقتی با عنوان توسل

باشیم. این مطلب تفصیلی دارد که در بررسی شبههای بدعت طرح خواهد شد.

معنای توسل

در بررسی کتاب‌های لغت، این مطلب روش‌من می‌شود که توسل به معنای تقریب است.

ابتدا باید اشاره کنیم که ریشه‌ی وسل دو معنا دارد و به اصطلاح، مشترک لفظی است: (وسل) الواو والسین واللام: كَلِمَاتٍ مُّبَابِيْتَانِ جِدًاً. الْأُولَى الرَّغْبَةُ وَالْطَّلْبُ، يُقَالُ: وَسَلَ، إِذَا رَغْبَ، وَالوَاسِلُ: الرَّاغِبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَمِنْ ذَلِكَ الْقِيَاسِ: الْوَسِيلَةُ. وَالْأُخْرَى السِّرْقَةُ. يُقَالُ: أَخَذَ إِلَهًا تَوَسِّلًا!

ریشه‌ی وسل برای دو معنا وضع شده است: یکی میل داشتن و طلب کردن، و دیگری دزدی. معنای دوم در این نوشتار مورد نظر نیست و آن را پی نخواهیم گرفت. اما معنای طلب و رغبت را که معنای مورد نظر در بحث ماست، در کتاب‌های لغوی بررسی می‌کنیم:

وَسَلَتُ إِلَى اللَّهِ بِالْعَمَلِ أَسْلُ مِنْ بَابِ وَعَدَ: رَغْبَتُ وَتَقَرَّبَتُ، ... وَتَوَسَّلَ إِلَى رَبِّهِ بِوَسِيلَةٍ: تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِعَمَلٍ.

وَسَلَتُ إِلَى رَبِّي وَسِيلَةً، أي: عَمِلْتُ عَمَلاً تَقَرَّبَ بِهِ إِلَيْهِ. وَتَوَسَّلَتُ إِلَى فُلانٍ بِكِتابٍ أَوْ قَرَائِيْةً، أي: تَقَرَّبَتُ بِهِ إِلَيْهِ.

وَالْتَّوْسِيلُ وَالْتَّوْسُلُ وَاحِدٌ. يُقَالُ: وَسَلَ فُلانًا إِلَى رَبِّهِ وَسِيلَةً، وَتَوَسَّلَ إِلَيْهِ بِوَسِيلَةٍ، أي تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِعَمَلٍ.

... وَسَلَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى تَوَسِيلًا، عَمِلَ عَمَلاً تَقَرَّبَ بِهِ إِلَيْهِ كَتَوَسَلَ، يُقَالُ: وَسَلَ وَسِيلَةً، وَتَوَسَّلَ بِوَسِيلَةٍ، وَفِي الصِّحَاحِ: التَّوْسِيلُ وَالْتَّوْسُلُ وَاحِدٌ.

چنان‌که می‌بینیم، فعل ثلاثی مجرد وسل (بروزن فعل یفعیل) و ثلاثی مزید وسل

۱) معجم مقاييس اللغة، ابن‌فارس. در صحاح، جوهري نيزمى بینیم: «وَالْتَّوْسِيلُ وَالْتَّوْسُلُ أَيْضًا: السِّرْقَةُ». يُقَالُ: أَخَذَ فُلانًا إِلَيْهِ تَوَسِلًا، أي سِرْقَةً».

۲) المصباح المنير، فيومي.

۳) كتاب العين، فراهیدی.

۴) صحاح، جوهري.

۵) تاج العروس، زبیدی و نظیر آن: لسان العرب، ابن‌منظور.

(باب تفعیل) و **توسل** (باب تفعل) به یک معنا و به معنای تقرب به کار رفته است که آن هم به معنای طلب القربة است؛^۱ یعنی نزدیکی جستن و خواستار نزدیکی به چیزی شدن که ریشه‌ی طلب و رغبت در آن دیده می‌شود. همچنین این لغت دو متعلق دارد که با حرف اضافه‌ی «إِلَى» و «بِ» به کار می‌رود. نخستین متعلق، کسی یا چیزی است که خواستار نزدیک شدن به او هستیم و دومین متعلق، راه یا ابزاری (وسیله‌ای) است که این نزدیکی جستن از آن طریق انجام می‌شود. البته در نقل‌هایی که تاکنون دیدیم، متعلق **إِلَى**، معمولاً **الله** بود، ولی در ادامه نشان خواهیم داد در لغت، از باب نمونه به این مصداق اشاره شده است.

معنای وسیله

متعلق دوم توسل که با «بِ» به کار می‌رود، در حقیقت همان وسیله است:

الْوَسِيلَةُ: مَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَى الْغَيْرِ، وَ الْجَمْعُ: الْوَسِيلَاتُ وَ الْوَسَائِلُ.

هِيَ فِي الْأَحْصَلِ مَا يُتَوَسَّلُ بِهِ إِلَى الْكُنْءِ وَ يُتَقَرَّبُ بِهِ

به آنچه به سبب آن و به واسطه‌ی آن، نزدیکی و رساندن و اتصال به چیزی طلب می‌شود، وسیله‌ی می‌گویند و همان طور که در نقل التهایه می‌بینیم، الشَّيْءُ بِهِ طور عام به کار رفته است و هر چیزی را در برمی‌گیرد؛ خواه آن چیز، خدا باشد یا انسان یا هر چیز دیگر. از همین جانیز معلوم می‌شود الغیرهم لزوماً انسان نیست و همه چیزرا شامل می‌شود.^۲

(۱) «تَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِشَيْءٍ أَيْضًا ظَلَّبَ بِهِ الْفُرْزِيَّةَ عَنْهُ تَعَالَى» (نک: لسان العرب، ابن منظور؛ صحاح، جوهري؛ مجمع البحرين، طریحی).

(۲) صحاح، جوهري.

(۳) التهایه فی غریب الحديث والأثر، ابن أثیر ونظیر آن: المصباح المنیر، فیومی؛ لسان العرب، ابن منظور؛ تاج العروس، زبیدی؛ مجمع البحرين، طریحی؛ مفرادات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی.

(۴) برای نمونه، در برخی روایات هم آمده است: «...وَ اسْتَجْلِبْ زِيَادَةَ التَّعْمِ يَعْظِيمُ الشُّكْرِ وَ تَوَسُّلُ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِحُوْفِ زَوَالِ التَّعْمِ»؛ با شکر بسیار، زیادی و وفور نعمت را جلب کن و ترس از دست دادن نعمت را وسیله‌ی نیل به شکر فراوان قرار ده. (بحار الأنوار، مجلسی ۷۵/۱۶۴).

گاهی به دلیل اینکه در برخی کتب لغت در توضیح معنای توسل، «إِلَى فلان» درج شده است، بیان می‌شود که متولّ إلیه باید ذی شعور باشد. اما همان طور که می‌بینیم، در برخی کتب لغت به جای «إِلَى فلان»، «إِلَى شَيْءٍ» آمده است. فایده‌ی توسعه‌ی مصداق متولّ إلیه از ذی شعور

همچنین خود وسیله نیز هر چیزی می‌تواند باشد؛ چنان‌که در نقل‌های قبل دیدیم در کتاب‌های لغت از کتاب (نوشته یا نامه) و قرابت و عمل با عنوان وسیله نام برده شده بود.

البته باید در نظر داشت که به هر حال هرگاه چیزی وسیله برای رسیدن به هدفی می‌شود، برای تحقیق توسل به او، باید با ارتباط برقرار کرد. مثلاً عمل را باید انجام داد، نامه را باید نوشت و به دیگری رساند و مانند آن. این نکته که به هر حال در هر توسل به وسیله‌ای، عملی صورت می‌گیرد، نباید این گمان را پدید آورد که وسیله فقط عمل است، بلکه اگر چیزی وسیله شد، باید نحوه ارتباط مؤثر با او و تمسک به او را در رسیدن به هدف تشخیص داد و از آن طریق جویای نزدیکی به هدف شد.

در بحثی دقیق تر شاید بتوان این گونه بیان کرد: در جایی که کتاب یا قرابت (و یا حرمت و احترام) وسیله خوانده شده است، توجیه توسل به این صورت است که مثلاً درباره نامه، نگاشتن آن نامه یا رساندن آن به فردی که نزدیکی به او مطلوب است، همان توسل ما به نامه خواهد بود. در خصوص قرابت و حرمت، به یادآوردن آن و به اصطلاح به رخ‌کشیدن آن و مانند آن، همان توسل است که وسیله هم همان قربت و حرمت خواهد بود.

در نتیجه، در جایی که یک عمل را وسیله دانسته‌اند، توسل به آن، به دو گونه صورت می‌گیرد: (۱) می‌توان آن عمل را انجام داد؛ چنان‌که در معانی لغوی نیز چنین آمده بود که: «وَسْلُتُ إِلَى رَبِّيْ وَسِيلَةً، أَيْ: عَمِلْتُ عَمَلاً أَنْقَرَبَ بِهِ إِلَيْهِ»؛ یعنی اگر این عمل را براي مثال، نماز در نظر بگيريم، نزدیکی جستن به وسیله‌ی نماز به درگاه الهی، اقامه کردن و

→ به شیء این است که مثال‌های عرفی که عقلی. عقلایی است نیز مشمول معنای لغوی توسل می‌شود. مثلاً اینکه «با این ماشین به کوه می‌رویم» نیز مصدق توسل می‌شود که متولی‌إلیه کوه است و وسیله هم ماشین.

بنابراین، واسطه خواهی‌های روزمره نیز توسل است؛ چه برسد به مراجعه‌های شیعه به امامان علیهم السلام. به بیان دیگر، اگر شیعه در مراجعه به امامان علیهم السلام و ائمه توسل را به کار می‌برد، بی‌ربط نمی‌گوید؛ چراکه این واژه برای همه‌ی مراجعه‌های روزمره درفع حاجت‌های مادی و معنوی به کار می‌رود. در نتیجه، نمی‌تواند بگویند: «شیعه عقاید و عملکردهایی دارد که سابقه‌ای ندارد و با هیچ مطلبی جمع نمی‌شود».

(۱) لسان العرب، ابن منظور.

خواندن آن است (شبیه به نگاشتن نامه). این گونه وسیله خواندن عمل، در واقع کاربرد اسم مفعول^۱ (وسیله) به جای مصدر (توسل) است که البته مجاز رایجی است. (۲) می‌توان آن عمل را یادآوری کرد و به رخ کشید؛ بدین ترتیب که نماز خوانده شده یا عمل انجام‌گرفته را یادآوری کرد و آن را وسیله قرارداد و به سبب آن، نزدیکی به خدا یا کسی دیگر را خواستار شد (شبیه به قربت و حرمت).^۳

در این صورت، وسیله بودن نماز یا یک عمل، فقط خواندن نمازو انجام آن عمل نیست، بلکه افزون براینکه خواندن نمازو انجام عمل، توسل است، می‌توان نماز خوانده شده یا عمل انجام شده را وسیله قرارداد و با یادآوری آن، تقریب جست.^۴ این

(۱) دریک تعبیر، وزن فعلی، نایب اسم مفعول خوانده شده است (نک: شرح ابن عقیل، ابن عقیل/۲۱۳۸).

(۲) در روایات فریقین این نوع توسل، در این جریان قابل مشاهده است: جریان سه نفر که در غاری گرفتار شده بودند و با یادآوری کارهایی که برای رضای خدا انجام داده بودند، به درگاه خدا توسل و تضرع کردند و خدا راه را برآنان گشود و نجاتشان داد (نک: الخصال، صدقه/۱۸۴؛ بحار الأنوار، مجلسی ۱۴/۲۲۱ و ۲۲۶؛ الأمالی، طوسی/۳۹۶؛ مسند أحمد، أحمد حنبل/۱۱۶؛ صحیح البخاری، بخاری/۵۱ و ۱۴۷/۴ و ۶۹/۷؛ الجامع الصحیح، مسلم/۸۹ و ۸۹/۸ و ...).

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «ما توسل أَحَدٌ إِلَيْ بِوْسِيلَةٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ إِذْكَارِي بِنُعْمَةٍ سَلَفَتْ مِنْ إِلَيْهِ أَعِيدُهَا إِلَيْهِ» (نک: بحار الأنوار، مجلسی/۷۱ و ۴۰/۷۱) و شبیه آن از امیر مؤمنان علیه السلام: «ما توسل أَحَدٌ إِلَيْ بِوْسِيلَةٍ أَجَلٌ عَنِّي مِنْ يَدِ سَبَقَتْ مِنْ إِلَيْهِ لِأُرْبِيَّهَا عَنْهُ بِإِيمَانِهَا أَحَمَّهَا قَائِمَ مَئْعَ الْأَوَّلِيَّةِ قَطْعُ شُكْرُ الْأَوَّلِيَّ» (غیر الحكم، تمیمی امدی/۶۹۷).

نیز در دعای ابو حمزه می‌خوانیم: «... قَائِمَ قَوْمًا آتَنَا بِالْيُسْتِهِنْ لِيَحْمِنُوا بِهِ دِمَاءُهُمْ فَأَذْرَكُوا مَا أَتَلُوا وَإِنَّا آتَنَا بِكَ بِالْيُسْتِهِنْ وَقُلُوبَنَا لِتَعْقُلُونَا فَأَذْرَكُنَا مَا أَمَلْنَا وَتَبَثَّ رَجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا ...» (نک: صباح المتهجد، طوسی/۲ و ۵۹۰؛ إقبال الأعمال، سید بن طاووس/۷۲؛ البلد الأمین، کفعمی/۲۰۹؛ بحار الأنوار، مجلسی/۸۸ و ۹۵).

همچنین در سنن، ابن ماجه/۱۱۴ و مسند احمد، احمد حنبل/۳۱ و ۳۱ آمده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَى الصَّلَاةِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَسْأَلِي هَذَا فَإِنِّي لَمْ أَخْرِجْ أَشْرَاوَ لَبَطْرَا وَلَرَبَّةَ وَلَانْتَمَةَ وَخَرْجْتَ أَقِيَّةَ سَخْطَكَ وَإِنْعَامَ مَرْضَاتِكَ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ تَعْفُرْ لِذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبُ إِلَّا أَنْتَ، أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوْجِهِهِ وَاسْتَغْفَرَلَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ».

(۳) در بحار الأنوار، مجلسی/۳۸ و ۸۳ به نقل از البلد الأمین، کفعمی آمده است: «وَمِنْهُ تَعُولُ مَا رُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ عَقِيبَ كُلِّ فَرِيَضَةٍ: الْهَيْ هَذِهِ صَلَاتِي صَلَيْهَا لَا لَحْاجَةٌ مِنْكَ إِلَيْهَا وَلَا رَغْبَةٌ مِنْكَ فِيهَا إِلَّا تَعْظِيماً وَطَاعَةً وَإِجَابَةً لَكَ إِلَى مَا أَمْرَتَنِي إِلَيْهِ إِنْ كَانَ فِيهَا حَلْلٌ أَوْ فَقْسٌ مِنْ رُكُوعَهَا أَوْ سُجُودَهَا فَلَا تُؤْخِذْنِي وَتَنْصَلِّ عَلَيَّ بِالْقُبُولِ وَالْقُفْرَانِ بِرَمْتِكَ يَا أَرْحَمَ الْرَّاجِيْنَ» وَنظِيرَانَ: صباح، کفعمی/۲۰.

مدل‌سازی که از بحث لغت قابل دریافت است، در توسعه‌ی وسائل و در توجیه گونه‌های وسیله بودن اهل بیت عليهم السلام به کار می‌آید که در ادامه‌ی این نوشتار و در عنوانین مربوط، بدان خواهیم پرداخت.

در برخی کتاب‌های لغوی معانی دیگری نیز برای وسیله ذکر شده است که با توجه به بررسی انجام شده در قبل معلوم می‌شود این معانی از قبیل لازم معنای وسیله است. برای نمونه، در سان العرب نخستین معناهایی که برای وسیله آمده، از این قرار است:

(وصل) الْوَسِيلَةُ: الْمُنْزَلَةُ عِنْدَ الْمُلِكِ. وَ الْوَسِيلَةُ: الدَّرَجَةُ. وَ الْوَسِيلَةُ: الْفُرْبَةُ. وَ وَسَلَ

فُلَانُ إِلَى اللَّهِ وَسِيلَةٌ إِذَا عَمِلَ عَمَلاً تَقَرَّبَ بِهِ إِلَيْهِ.

ابتداء در تأیید نکات قبل، دققت شود که در انتهای این نقل، معنای ما یتقرّب به برای وسیله به روشنی ذکر شده است. نیز دققت شود که وقتی برای وسیله، معنای ای نظیر جایگاه نزد پادشاه و درجه نام بردۀ می‌شود، در حقیقت وسیله اعم از عمل در نظر گرفته شده است؛ به ویژه که در ادامه‌ی همین نقل آمده است:

وَ تَوَسَّلَ إِلَيْهِ بِكَذَا: تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِحُرْمَةٍ أَصْرَةٍ تَعْطِفُهُ عَلَيْهِ. وَ الْوَسِيلَةُ: الْوُضْلَةُ وَ الْفُرْبَةُ، وَ جَمِيعُهُ: الْوَسَائِلُ

که در اینجا به جای وسیله، از احترام نزدیک کننده نام بردۀ شده است.

اما درباره‌ی معنای قربت و درجه و منزلت باید گفت با توجه به دیگر کتاب‌های لغت و اصل معنای «وصل» که طلب و خواستن است،^۱ مشخص است که معنا کردن وسیله به جایگاه یا نزدیکی، از باب تسمیه‌ی سبب به اسم مسبّب است؛ یعنی نتیجه‌ی فعل نزدیکی جستن به واسطه‌ی چیزی را که نزدیک شدن و جایگاه یافتن نزد کسی است، به عنوان معنای آن به کار بردۀ‌اند که البته این، مجازی رایج است.^۲ پس از بررسی و دققت در بحث لغوی، این نتیجه به دست می‌آید که:

۱) در تاج العروس، زبیدی نیز همین مضمون آمده است.

۲) «الآخرة: ما يُعْطِفُكَ عَلَى رَجْلِيْ مِنْ رَحِيمٍ أَوْ قَرَائِبٍ أَوْ صَهْرٍ أَوْ مَعْرُوفٍ».

۳) در کتاب الفرق اللغوی، عسکری ذیل «الفرق بین الوسيلة والذریعة» نیز این مطلب قابل مشاهده است.

۴) البته این منظور در موارد دیگری نیز لازم معنا و معانی مجازی را در ابتداء آورده است؛ مانند معنای رکوع که به عنوان اولین معنا، معنای مجازی خصوص را ذکر کرده است!

توسل طلب نزدیکی به چیزی است که واسطه‌ی آن، وسیله نامیده می‌شود؛ خواه این تقریب مادّی باشد یا معنوی، و خواه این قربت حاصل شود یا نه. همچنین وسیله می‌تواند هر چیزی باشد^۱ که البته در کتاب‌های لغوی به طور معمول به عمل اشاره شده است. به همین ترتیب متواتل^۲ إِلَيْهِ نیز می‌تواند هر چیزی باشد که در کتاب‌های لغت بیشتر از واژه‌ی جلاله‌ی «الله» نام برده شده است. روشن است که اگر متواتل^۳ إِلَيْهِ خداوند باشد، قرب مادّی و مکانی معنا ندارد.

«سبب» و «ذریعه»

جا دارد در اینجا به دو لغت مترادف با وسیله هم اشاره کنیم تا در ادامه‌ی مباحث و در پی‌گیری از روایات، مورد استفاده‌ی آن را بنگریم.

معمولًاً اصل معنای سبب را رسماً گرفته‌اند که با آن آب را از چاه بالا می‌کشند^۴، ولی در بیشتر کتاب‌های لغت بلا فاصله اشاره شده است که این معنا از سبب، مبنای شده تا هر چیزی که ما را به چیز دیگری برساند، سبب نام گیرد:

... وَ السَّبَبُ: الْجَبْلُ وَ هُوَ مَا يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الإِسْتِعْلَاءِ ثُمَّ اسْتَعِيرَ لِكُلِّ شَيْءٍ
يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى أَمْرٍ مِنَ الْمُوْرَّدِ...^۵

... وَ السَّبَبُ: كُلُّ شَيْءٍ يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى غَيْرِهِ؛ وَ فِي نُسْخَةٍ: كُلُّ شَيْءٍ يُتَوَسَّلُ بِهِ إِلَى
شَيْءٍ غَيْرِهِ، وَ قَدْ تَسَبَّبَ إِلَيْهِ، وَ الْجَمْعُ: أَسْبَابٌ؛ وَ كُلُّ شَيْءٍ يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الشَّيْءِ، فَهُوَ
سَبَبٌ. وَ جَعَلْتُ فُلَانًا لِي سَبِيلًا إِلَى فُلَانٍ فِي حَاجَتِي وَ وَدَجَأْ أَيْنَ وَضَلَّهُ وَ ذَرِيعَةً... .
... السَّبَبُ، وَ هُوَ الْجَبْلُ الَّذِي يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الْمَاءِ، ثُمَّ اسْتَعِيرَ لِكُلِّ مَا يُتَوَصَّلُ بِهِ

إِلَى شَيْءٍ^۶

(۱) برای مثال در دعای کمیل می‌خوانیم: «... وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّكَ».

(۲) ظاهر ارسطوی که از بالا انداخته شده باشد در این واژه مورد عنایت است: «وَ قَيْلَ: لَا يَسْمَى الْجَبْلُ سَبِيلًا حَتَّى يَكُونَ طَرْفُهُ مُعَلَّقًا بِالسَّقْفِ أَوْ مَخْوِيًّا». (تاج‌العروس، زبیدی) «وَ لَا يَدْعَى الْجَبْلُ سَبِيلًا حَتَّى يُضْعَدَ بِهِ وَ يُثْخَدَ رِبِيدَه» (لسان‌العرب، ابن‌منظور).

(۳) المصباح المنیر، فیومی.

(۴) لسان‌العرب، ابن‌منظور.

(۵) التهایه، ابن‌اثیر و نظری‌این بیان در: صحاح، جوهري؛ العین، فراهیدی؛ القاموس المحيط، فیروزآبادی؛ تاج‌العروس، زبیدی و

چنان‌که می‌بینیم، سبب به چیزی اطلاق می‌گردد که موجب رسیدن به چیزی می‌شود. باز هم می‌بینیم که در اینجا این معنا نیز عمومیت دارد؛ به این ترتیب که هم کل شیء والشیء عام به کاررفته است و هم أمر من الأمور افاده‌ی عمومیت می‌کند و همچنین می‌بینیم در لسان العرب، انسان هم می‌تواند مصداقی از سبب باشد.^۱

اگر به یاد داشته باشیم در معنای وسیله دیدیم که:

هِيَ فِي الْأُصْلِ مَا يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الشَّيْءِ وَ يُتَقَرَّبُ بِهِ^۲

این مضمون با معنای سبب بسیار نزدیک است. از این‌رو، در معنا کردن سبب از توسل نیز استفاده شده است. این نکته در کاربرد واژه ذریعه برای سبب که آن هم به معنای وسیله است، تأکید بیشتری می‌شود.

در خصوص واژه ذریعه هم، چنین ترادفی با وسیله دیده می‌شود:

الذَّرِيعَةُ: الْوَسِيلَةُ... وَ الدَّرِيعَةُ: السَّبَبُ إِلَى الشَّيْءِ... يُقَالُ: فُلَانٌ ذَرَيَعَتِي إِلَيْكَ أَيْ

سَبَبِيَ وَ وُصْلَتِي الَّذِي أَتَسْبَبَ بِهِ إِلَيْكَ.^۳

وَ تَذَرَّعَ بِذَرِيعَةٍ: تَوَسَّلَ بِوَسِيلَةٍ.^۴

بدین ترتیب، لغویان در پیان معنای هریک از این سه واژه، از دو واژه دیگر استفاده کرده‌اند^۵ و از این‌رو، به راحتی می‌توان این سه واژه را به جای یکدیگر به کاربرد و آنها را مترادف هم دانست. این مطلب در ارائه شواهد نقلی برای توسل به اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ و در توسعه‌ی مدارک روایی به ما کمک خواهد کرد که در عناوین آینده بدان خواهیم پرداخت.

۱) در لغت به «علت» هم سبب گفته می‌شود؛ چون ما را به نتیجه و معلول می‌رساند. همچنین به راه و طریق هم سبب گفته شده است؛ چراکه مقصد در انتهای آن است و سپردن راه، ما را به مقصد می‌رساند.

۲) التهایة، ابن اثیر و نظیر آن: المصباح المنیر، فیومی؛ لسان العرب، ابن منظور؛ تاج العروس، زبیدی؛ مجمع البحرين، طریحی؛ مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی.

۳) لسان العرب، ابن منظور.

۴) القاموس المحيط، فیروزآبادی و نظیر این دو مضمون: تاج العروس، زبیدی؛ المصباح المنیر، فیومی؛ مجمع البحرين، طریحی؛ صحاح، جوهری و ...

۵) درباره تفاوت میان ذریعه و وسیله هم در کتاب الفروق فی اللُّغَةِ، عسکری بیانی آورده است که باز هم صرف نظر از این دقّت، می‌توان این دو واژه را هم معنا دانست و به جای هم به کاربرد.